

بخروش و به سرزنش مخراش «سنایی» (درج ۳).
معلم یا مدرس باید در مخاطبان خود انگیزه بیافریند و سبب جلب و جذب شاگردان خود شود تا آنان با شور و شوق بیشتری در کلاس‌ها حاضر شوند و با اشتیاق فراوان تری فراگیرند.
درس ادیب گر بود زمزمه محبتی جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را «ظیری نیشابوری» (درج ۳).

۱۲ اصل و اساس آموزش، بر پایه اندیشه‌ورزی بنا شده و یادگیری بدون تفکر، ناقص و ناتمام است، پس «هدایت دانش‌آموزان به تفکر، اصلی‌ترین وظیفه معلمان به‌شمار می‌آید. معلم کارآمد و اثربخش، کسی است که فراگیرندگان را با مسائل تفکربرانگیز مواجه سازد. آنان را برای اندیشیدن برانگیز از پخته‌خواری باز دارد.» (فرخ‌مهر؛ ۱۳۸۵: ۱۷).

ای برادر تو همان اندیشه‌های مابقی تو استخوان و ریشه‌های «مولوی» (درج ۳)
کنفوسیوس، حکیم مشهور چینی، مدت‌ها پیش گفته بود: «دانش بی‌اندیشه، دام است و اندیشه بی‌دانش، بلا.» (مجله موفقیت؛ ش ۲۰۵: ۷۰). در همین راستا، یک مثل چینی می‌گوید: «دانش بدون تفکر، رنج بی‌حاصل است و تفکر بدون دانش، خطرناک است.» (دیویدف؛ ۱۳۸۹: ۲۷۹). **تیرون ادواردز** هم با بیانی دیگر می‌گوید: «هدف بزرگ آموزش و پرورش باید تربیت قوای دماغی باشد نه انباشتن مغز با معلومات و اندوخته‌های دیگران» (ذوالفقاری؛ ۱۳۷۰: ۵۹).

۱۳ سعی کنید، خوش برخورد، باحوصله و فروتن باشید، چون امام صادق (ع) می‌فرماید: «با دانش‌آموزان خود فروتن باشید و در برابر استاد خویش تواضع کنید» (مجله موفقیت؛ ش ۲۴۲: ۱۶).

مهر، محکم شود به خوش‌خوبی دوستی کم کند، تشریوی

مهر، محکم شود به خوش‌خوبی دوستی کم کند، تشریوی
«وحدی مراغه‌ای» (درج ۳)
فروتنی است براننده از سرفرازان
که خوش‌نماست شکستی که بر کلاه افتد «صائب» (درج ۳)

۱۴ در کلاس و تدریس از دایره نزاکت خارج نشوید و از الفاظ رکیک بهره نبرید که بنای ارتباط عاطفی معلم با دانش‌آموز ویران و شالوده شخصیتان خدشه‌دار خواهد شد. به این ترتیب، بذری حرمتی نیز در عمق ضمیر فراگیرندگان کاشته می‌شود.

شارع شریعت در این باره چنین سفارش می‌فرماید: «کسی را که علم از او می‌آموزید، محترم دارید و کسی را که علم به او می‌آموزید، محترم دارید.» هم ایشان فرمایند: «دب بهترین اخلاق است.»

ادب، بهترین خصلت و خوب بود خوشا آنکه زیبایی‌اش از او بود به هر جا گرامی است صاحب ادب ادب بی‌نیازش کند از نسب (مجدی؛ ۱۳۷۹: ۴۵).

۱۵ به وعده‌هایتان در کلاس دقیقاً عمل کنید، زیرا انسان بزرگ اگر حرفی می‌زند، آن را عملی می‌کند. نقل است از انوشیروان که گفته است: «اگر خواهی بر قول تو کار کنی، بر قول خویش کار کن» (شکورزاده؛ ۱۳۷۴: ۱۰۰). همان گونه که در مثل عربی هم آمده است: «الکریم اذا وعد وفی» (دهخدا؛ ۱۳۷۴: ۲۶۸).

شرط است وفا به عهد کردن در پاس عهود، جهد کردن «جامی» (درج ۳)
یا مگو آنچه می‌خواهی کرد یا وفا کن بدانچه می‌گویی (شکورزاده؛ ۱۳۷۴: ۷۵۷).

۱۶ نبض کلاس را در دست داشته باشید و اجازه ندهید اداره کلاس از اختیار شما خارج شود. کلاس شلوغ بازدهی کمی خواهد داشت و یادگیری در آن کندتر صورت خواهد گرفت.
معلم چون کندستان نوازی کند کودک به پیشش پای بازی «اسعدگرگانی؛ ۱۳۶۹: ۱۲۱).

و سعدی در گلستانش، در مورد ملایمت بیش از حد معلمی فرماید:
استاد معلم چو بود بی‌آزار
خرسک بازند کودکان در بازار (سعدی؛ ۱۳۶۹: ۱۵۵).
پس گاه لازم آید که معلم گرهی بر ابرو افکند و جدیتی نشان دهد:

همیشه به نرمی تو تن در مده
به موقع برافکن بر ابرو گره «سعدی» (شکورزاده؛ ۱۳۷۴: ۷۴۵).

۱۷ هر معلم موفق برای موفقیت محصل خود روش‌های درست یادسپاری و یادگیری را به او می‌آموزد. به گفته **مک دونوف** «وظیفه اصلی معلم این نیست که مطلبی را مرتب تکرار کند، بلکه باید به دانش‌آموز کمک کند، روش‌هایی برای سازمان‌دهی معنی‌دار دانش خویش پیدا کند، زیرا اطلاعات معنی‌دار دیر فراموش می‌شوند و زودتر به یاد می‌آیند.» (فرخ‌مهر؛ ۱۳۸۵: ۶۸). به‌نظر **مارشا ویل**: «تدریس واقعی، آموزش شیوه یادگیری به شاگردان است» (جویس و ویل؛ ۱۳۷۶: ۲۱).

۱۸ با مخاطبان مهربان باشید، اما جریان تربیتی را واژگون نکنید، یعنی میانه‌روی را در مسیر تدریس پیش گیرید. شاید ذکر نظر سعدی خالی از لطف نباشد که گفته است: «خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی‌وقت، هیبت ببرد. نه چندان

درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند.
درشتی و نرمی به هم در، به است چو فاصد که جراح و مرهم نه است
درشتی‌نگیرد خردمند پیش
نه سستی که ناقص کند قدر خویش» (سعدی؛ ۱۳۶۹: ۱۷۵).

یعنی راه اعتدال را انتخاب و اختیار کن.
گیتی ز اعتدال منظم کند اساس
هستی ز اعتدال فراهم کند کمال
«ادب‌الممالک» (درج ۳)

۱۹ پند و نصیحت‌گویی بار آموزشی ندارد. تمرین و ممارست شما را به هدف‌تان می‌رساند و درصد قبولی کلاستان را افزایش می‌دهد. یک مثل رومی مدعی است: «ناکامی در یادگرفتن به علت تمرین کافی نکردن است» (قدرتی؛ ۱۳۸۹: ۹۵).
و مثل انگلیسی در تأیید آن می‌گوید: «دانش، گنج است اما تمرین، کلید آن» (دیویدف؛ ۱۳۸۹: ۲۷۹).
پس تا می‌توانید در کلاس با دانش‌آموزان تمرین و تکرار کنید. به قول مثل فارسی: «اگر خواهی شوی خوشنویس، هی بنویس، هی بنویس، هی نویس» (شکورزاده؛ ۱۳۷۴: ۷۲: ۱۰۱).
یعنی قوام و دوام یادگیری برتر، تکرار است. از این جهت است که گفته‌اند: «کار نیکو کردن از پر کردن است» (همان؛ ۵۵۰). در مثل عربی آورده‌اند: «لدرس حرف و التکرار الف» (دهخدا؛ ۱۳۷۴: ۲۴۶).
تکرار و تمرین در امر آموزش چه در تعلیم (یادگیری) و چه در تعلم (یاددهی) یک امر ضروری است. **زیگ زیگلار** هم به‌همین امر تأکید دارد: «تکرار کردن پایه یادگیری و ابزاری نیرومند است.»

در نتیجه، دانش‌ها، بینش‌ها و مهارت‌ها بر اثر تکرار افزوده می‌شوند. بنابراین، تسلط، تالی تکرار است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اسعدگرگانی، فخرالدین. ویس و رامین. چاپ اول. نشر جامی. ۱۳۶۹.
۳. بروس، جویس و ویل، مارشا. الگوهای جدید تدریس. ترجمه محمدرضا بهرنکی. چاپ ۲. انتشارات تابان با همکاری نشر کمال تربیت. ۱۳۷۸.
۴. دهخدا، علی‌اکبر. امثال و حکم. ۴ جلد. چاپ ۸. تهران. امیرکبیر. ۱۳۷۴.
۵. دیویدف، هنری. ترجمه فرید جواهرکلام. چاپ ۲. فرهنگ معاصر. تهران. ۱۳۸۹.